

این اصل نقش راهبردی اخلاق کار، هنوز هم یکی از اجزای ضروری و اساسی آن است و با توجه به این اصل نقش راهبردی اخلاق کار در کسب و کار مورد توجه مدیران استراتژیست قرار گرفته است. اخلاق به عنوان مجموعه ای از اصول است که اغلب به عنوان منشوری برای تسهیل در امور و هدایت کارها استفاده می شود [۱]. برای واژه کار نیز تعاریف مختلفی ارائه شده و هر مکتب و نظام فکری، نگرش خاصی نسبت به کار دارد از دیدگاه فلسفی، کار فعالیت ارادی انسان است که حاوی نفع عقلایی باشد. از دیدگاه مادی، کار به عنوان وسیله ای برای کسب مال و ثروت است. از دیدگاه اجتماعی، کار وسیله همکاری بین افراد جامعه و رفع نیازهای آنان است. از دیدگاه اقتصادی نیز کار وسیله ای برای تولید کالا و خدمات به منظور کسب معاش می باشد. از دیدگاه مارکسیسم، کار جوهر ارزش و تنها عامل مشترک در مبادله ی کالا می باشد [۲]. اخلاق الزاما به قانون و مذهب خاصی ارتباط ندارد. اخلاقیات در کلیه جوامع بشری وجود دارد و مجموعه ای از اصول و ارزش های معنوی است که درستی یا نادرستی رفتار فرد یا گروه را تعیین می کند؛ این ارزش ها معیارهای خوبی یا بدی رفتارها و تصمیم ها را مشخص می سازند [۳]. امروزه، اخلاق کار یکی از مباحث مهمی است که مورد توجه محققان سازمان ها و دولت های گوناگون قرار گرفته است. آنان با پرداختن به موضوع اخلاق، قصد تشریح آن و ارتقای شاخص های عملکردی کارکنان و دستگاه های دولتی را دارند [۴]. اخلاق کار نقش بسیار مهم و موثری در بهره وری نیروی انسانی دارد. به طوریکه، اثربخشی نیروی انسانی در گرو اخلاق کار است. چرا که اگر همه ساختارها و امکانات مادی و فیزیکی و قانونی و مدیریتی مهیا باشد، ولی نیروی انسانی به لحاظ اخلاقی و فرهنگی، کار را امری رنج آور، مشقت بار و بیهوده تلقی کند و از آن گریزان باشد، با اتکاء به چنین نیروی انسانی، دستیابی به بهره وری مقدور نیست [۵] بطور کلی، مولفه های اخلاق کاری شامل: دلبستگی علاقه به کار، پشتکار و جدیت در کار، روابط سالم و انسانی در کار، روح جمعی و مشارکت در کار می باشد [۶] «بیشتر جامعه شناسانی که به بحث کنش اجتماعی و ارزش ها پرداخته اند و نوعی هم جهتی و رابطه انطباقی میان آن ها مفروض انگاشته اند. برای نمونه ماکس ویر در تبیین کنش اجتماعی و جایگاه ارزش ها در زندگی اجتماعی نقش علی برای ارزش ها، قابل شده است. از نظر ویر